

تبیین مبانی، احکام و اخلاق اسلامی در زیبایی‌شناسی معماری با تأکید بر اندیشه علامه جعفری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

اصغر مولائی^۱

چکیده

موضوع هنر و زیبایی و زیبایی‌شناسی از گذشته‌های دور تاکنون به‌عنوان یکی از ابعاد مهم زندگی انسان‌ها و بعد مهمی از فلسفه، مورد توجه عام و خاص بوده است. این مقاله با رویکرد زیبایی‌شناسی معماری اسلامی به بررسی چستی، چرایی، ریشه‌ها، علل و ضرورت‌ها و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. هدف این مقاله تبیین باید و نبایدهای زیبایی‌شناسی در معماری اسلامی از منظر فقهی و اخلاق اسلامی است که با روش پژوهش تحلیل محتوای متون، استدلال منطقی و نیز شیوه‌های اسنادی و کتابخانه‌ای انجام می‌شود. زیبایی‌شناسی از منظر اسلام را می‌توان در سه مؤلفه صورت، معنی و خالق اثر معماری مطالعه کرد که در هر سه مؤلفه، دارای الزامات فقهی و اخلاقی است. از جنبه فقهی و احکام اسلامی نباید در هر اقدام و عملی حقوقی از خداوند، خویش، سایر انسان‌ها و خلقت زیست‌محیطی تضییع شود. این امر ممکن است در مصادیق گوناگونی مانند سوءاستفاده از قوانین و مقررات در احداث بناها، نپرداختن وجوهات شرعی و حقوق محرومان، بی‌توجهی به جایگاه عبادت و فضای عبادی در بناهای به ظاهر زیبا، فراهم آوردن بستر و فضای گناه، ضرر رساندن به سایر افراد و همسایگان و طبیعت نمودار شود. از جنبه اخلاقی نیز انسان از پرداختن صرف به ظاهر و زیباسازی بنا و فضا و بی‌توجهی به سایر ابعاد مانند تواضع، کمک به نیازمندان، یاد معاد و رضای خداوند منع شده و نیز افراط و تفریط در زیبایی و آراستن بیش‌ازحد بنا و فضا برای امور دنیوی علاوه بر آثار و ثبغات مذکور ممکن است موجب رشک‌برانگیزی و حسرت دیگران شود؛ بنابراین دین اسلام در موضوع زیبایی‌شناسی، با طرح جمال که با معنا و محتوایی برآمده از خیر و نیکی است، انسان‌ها را به خیرخواهی و ساده‌زیستی توصیه می‌کند. در واقع در موضوع زیبایی‌شناسی اسلامی، احکام و اخلاق اسلامی مقدم بر ظاهر زیبا و جمیل به‌معنای حقیقی است که یکی از صفات خداوندی است، بر زیبایی‌های حقیقی متکی است. زیبایی‌های حقیقی نیز همان سطوح مختلف آن است که طبیعت زیبا، مهر مادری، آزادی و ایثار و فداکاری و صداقت و جمال زیبای الهی است.

واژه‌های کلیدی: اخلاق اسلامی، حقیقت، زیبایی‌شناسی اسلامی، قواعد فقهی، معماری اسلامی.

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران، a.molaei@tabriziau.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

با مطالعه زمینه تاریخی زیبایی روشن می‌شود که تا قبل از آغاز عصر جدید و پیش از قرن هفدهم میلادی، موضوعی به نام زیبایی به‌طور مستقل وجود نداشته است (کروچه، ۱۳۷۸: ۱۸۴). آنچه در جست‌وجوی آن بوده‌اند، کمال، حقیقت و رسیدن به حداکثر توان و کارایی هر چیز بوده است که با رسیدن به این خواسته، زیبایی به‌عنوان یکی از صفات پدیده کمال‌یافته خودبه‌خود بروز می‌کرده است. هدف، آفرینش یک اثر صرفاً زیبا نبوده، بلکه در پی آن بوده‌اند که چیزی بسازند که مفید، مناسب و در اوج کمال و کارایی خود باشد. در سال ۱۷۸۰ نخستین بار باوم گارتن^۱ زیباشناسی را به‌صورت یک علم فلسفی مطرح کرد و واژه استتیک^۲ را به مفهوم زیبایی ابداع کرد. تا قبل از قرن هفدهم میلادی دو نظریه درباره زیبایی وجود داشت: یکی نظریه افلاطون و دیگری نظریه ارسطو و پیروان او که این دو نظریه از لحاظ ماهیتی تفاوتی با یکدیگر نداشت و فقط در جزئیات با هم متفاوت بودند، اما پس از قرن هفدهم و آغاز رنسانس، و جایگزینی تفکر انسان‌محوری به‌جای خدامحوری و ظهور مدرنیسم، جهان‌بینی‌ها و تفکرات مختلفی بر مردم حاکم شد و زیبایی، به‌طور مستقل و منفک از پدیده‌ها مطرح می‌شود. توجه و علاقه ویژه به زیباشناسی جدید تقریباً در اواخر سده هفدهم میلادی پدید آمد. در این ایام، مسائلی نظیر ذوق، تحلیل، زیبایی طبیعی و تقلید از عناوین، محورهای زیباشناسی شد.

روش معماری در شهر عرفی اسلامی باید بازگوکننده هویت دینی و توحیدی جامعه اسلامی شهری باشد؛ بنابراین شیوه‌های معماری برخاسته از فرهنگ و سبک زندگی الحادی غربی نه‌تنها زینده شهر اسلامی نیست، بلکه موجب نوعی تضاد روانی بین جان و کالبد شهر می‌شود که مانع تحقق آرامش مطلوب در زندگی شهری می‌شود و نوعی گسست درونی در بافت روانی جامعه شهری به‌وجود می‌آورد که نتایج اخلاقی و روانی زیانباری به دنبال دارد (اراکي، ۱۳۹۷: ۱۸۹). اسلام با هنر از هر نوع که باشد نه‌تنها مخالف نیست، بلکه تأیید هم می‌کند. البته در صورتی که دارای شرایط زیر باشد: ۱. کاری که موجب اتلاف وقت و هدر دادن عمر نشود؛ ۲. موجب فساد و انحراف نشود؛ ۳. سبب تهییج شهوت و غلبه هوای نفس نباشد؛ ۴. انسان را از

1. Alexander Gottlieb Baumgarten
2. Aesthetic

یاد خداوند غافل نکند؛ ۵. موجب اعانت به ظلم و ظالم نباشد؛ ۶. موجب آزار دیگران نباشد. بسی مایه خوشوقتی است که همه می‌بینید تمام مقوله‌های هنری، جایگاه تازه و نویی پیدا کردند و روند عقلایی‌شدن همه را دربرگرفته است (جناتی، ۱۳۷۵: ۱). به‌طورکلی فیلسوفان مسلمان خلاقیت‌های هنری و ادبی را به‌مثابه غایاتی فی‌نفسه نمی‌دیدند، بلکه امر مورد علاقه آن‌ها تبیین مناسبات میان این فعالیت‌ها با غایات عقلانی محض بود (بلک، ۱۳۸۵: ۲۰۴). محمدتقی جعفری با طرح چهار نوع دیدگاه‌های علمی محض، بینش نظری، بینش فلسفی و بینش مذهبی، بینش مذهبی را برتر معرفی می‌کند که در آن، آرمان‌های زندگی گذران با حیات معقول اشباع می‌شود و شخصیت انسانی را در همه ابعاد به پیشگاه ربوبی کمال الهی هدایت می‌کند (جعفری، ۱۳۷۸: ۷-۸). وی در این راستا بینش مذهبی‌ای در هنر مطرح می‌کند که عبارت است از شناخت هنر و بهره‌برداری از نبوغ‌های هنر در هدف معقول و تکاملی حیات که رو به ابدیت و ورود در پیشگاه آفریننده نبوغ‌های هنری و واقعیت‌ها است (همان: ۹).

زیبایی‌شناسی در معماری دارای سلايق و دیدگاه‌های گوناگونی بوده و هست که موجب طراحی و احداث بناها و فضاهای زیادی با سلايق زیبایی‌شناسانه معماران و سازندگان به تقلید از بیگانگان یا با ابتکار طراح شده است. از جمله این بناها، ویلاها و کاخ‌ها در شهرها و روستاها و حریم شهرها برای تفریح و تفرج و خودنمایی است. این نوع ساخت‌وسازها که در قوانین و مقررات فعلی معماری و شهرسازی ایران، محدودیت‌های چندانی بر آن‌ها حاکم نیست، تبعات عدیده‌ای از قبیل تخریب طبیعت، ازبین‌بردن حریم شهرها که ساخت‌وساز در آن‌ها ممنوع بوده و رواج فرهنگ تجمل‌گرایی را به دنبال دارد؛ بنابراین مسئله پژوهش عبارت است از اینکه ساخت‌وسازهای معاصر ایران در وضعیت فعلی از مبانی نظری تقلیدی، انسان‌محوری در مقابل خدامحوری، منافع فردی و بی‌توجهی به حقوق سایرین و طبیعت نشئت گرفته است و تبعات دنیوی و اخروی عدیده‌ای را می‌تواند تولید کند. درحالی‌که در زیبایی‌شناسی اسلامی که علم جمال نامیده می‌شود بر تقدم نیکی و خیر بر زیبایی ظاهری، ساده‌زیستی و رعایت حقوق دیگران توصیه و تأکید شده است. خیرخواهی و ساده‌زیستی و توجه به زیبایی‌های حقیقی که همان ارزش‌های خدامحورانه مانند ایثار، صداقت، عدل و انصاف است، مبانی زیبایی‌شناسی اسلامی را تشکیل می‌دهد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با هدف تبیین مبانی، باید و نبایدهای فقهی و اخلاقی در زیبایی‌شناسی معماری اسلامی است. در این راستا پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: مبانی، احکام و اخلاق اسلامی در زیبایی‌شناسی معماری اسلامی کدام‌اند؟ تعریف و ویژگی‌های زیبایی از منظر علامه جعفری چیست و ما به ازای آن در زیبایی‌شناسی معماری اسلامی کدام است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش پژوهش تحلیل محتوای متون و استدلال منطقی انجام شده که در بخش مبانی نظری، قواعد فقهی و اخلاقی آن از اندیشه‌ها و آثار علامه محمدتقی جعفری و برای تبیین جایگاه و ارتباط آن با حوزه معماری اسلامی از روش استدلال منطقی استفاده شده است. شیوه تحقیق هم رجوع به اسناد و بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای برای استخراج مبانی نظری زیبایی‌شناسی معماری اسلامی است.

پیشینه پژوهش

در نظام زیبایی‌شناسی صدرای، زیبایی مساوی با وجود است؛ بنابراین زیبایی کمال و خیر است. علاوه بر شواهد عقلی، شواهد نقلی نیز بر این امر وجود دارد. همچنین زیبایی ظاهری خود از فضائل بدنی است که متمم فضائل نفسانی است؛ پس زیبایی هم در دنیا و هم در آخرت خیر، کمال و منفعت است (جلیلی خامنه، ۱۳۹۶: ۱۷۰). زشتی عدم یا امری عدمی است و ما آن را از نبود زیبایی در مقایسه با زیباتر و زیبا انتزاع می‌کنیم (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۵۳). ادراک انسان به اینکه چیزی زشت است، به معنای زشتی و قبح فی‌نفسه آن شیء در خارج نیست. اینکه انسان زشتی برخی اشیا را درک می‌کند، به معنای درک نوع انسان نیست، بلکه اهل معرفت با طهارت قلب و روح و شهود حقایق تمام عالم را زیبا می‌بینند (هاشم نژاد، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

علامه طباطبایی نیز زیبایی را خوبی و حسن معنا کرد و گفت: «حسن عبارت از آن است که شیء با غرض و هدفی که از او مطلوب و مقصود است، موافق و سازگار باشد و اجزا کاملاً با یکدیگر سازگاری و موافقت دارند.» به عبارت دیگر «هر چیزی که موافق باشد با مقصودی که

از آن نوع چیز در نظر گرفته شده است، حسن و زیبایی نامیده می‌شود» و هر چیزی خلاف این باشد برحسب اعتبارات و ملاحظات مختلف و گوناگون می‌گوید: بد است، ناجور است و زشت است؛ بنابراین بدی از نظر ایشان یک معنای عدمی است؛ همان‌طور که خوبی یک معنای وجودی است. به این ترتیب از نظر علامه طباطبایی زیبایی‌های طبیعی ریشه در تناسب و هماهنگی دارد. نیکویی صورت انسان، به این است که چشم، ابرو، گوش، بینی، دهان و سایر اجزای صورت طوری باشد و حالتی داشته باشد که سزاوار و شایسته باشد، به‌علاوه نسبت هریک به دیگری مناسب باشد. در این حال است که نفس آدمی مجذوب می‌شود و طبع انسان راغب و مایل به آن می‌شود (تاج‌الدینی، ۱۳۸۴).

چارچوب نظری

در لغت‌نامه دهخدا، در معنای زیبایی آمده است: «خوبی، نیکویی، حسن و جمال، ظرافت و لطافت، بهاء، اورند، اورنگ، افرنگ، براه، خوبی، قشنگی، زیب و سامه، حالت یا کیفیت زیبا، نظم و هماهنگی که همراه با عظمت و پاکی در شیء وجود دارد و عقل، تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد و آن امری نسبی است: ای که از رخ تو تافته زیبایی و اورنگ، افروخته از طلعت تو مسند و اورنگ، ز بس گنج و زیبایی و فرهی، پری مردم و دیو گشتش رهی» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل زیبایی). همچنین «برازندگی، برازیدگی، لیاقت، سزاواری؛ نخواهد جز تو کسی تخت را کله را و زیبایی و بخت را؛ همه کس گرچه در زیباپسندی است، ز زیبایی نکوتر سودمندی است» (همان) و زیبایی‌شناسی به معنای شناختن زیبایی و شناساندن جمال و هنر، دربارهٔ مجموعه انفعالات و احساسات درونی، زیبایی و زشتی، هزل و فکاهت و... گفت‌وگو کند، علم‌الجمال (همان).

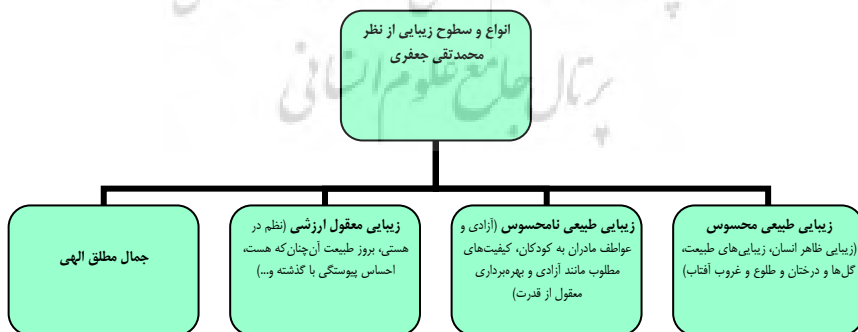
واژه زیبایی^۱ در انگلیسی به معنای «زیبایی، خوشگلی، حسن، جمال، زنان زیبا، کیفیت زیبا و شخص یا چیزی که زیبا است» به‌کار رفته است. واژه زیبایی‌شناسی^۲ نیز به معنای «وابسته به زیبایی، مربوط به علم (محسنات)، ظریف طبع» است و در فرهنگ لغات فارسی عمید، زیب به معنی «زینت، زیور و آرایش» و واژه زیبا به معنی «زینده، زیبان، نیکو، خوب، خوش‌نما و خوبرو» آمده است.

1. Beauty
2. Aesthetic

معماری اسلامی به معنای خلق فضا برای نیازهای مختلف فردی و جمعی انسان براساس آموزه‌های اسلامی، قرآن، روایات، و باید و نبایدهای فقهی، و اخلاقی است که دارای ابعاد اثر معماری (صورت)، معنا (ایده‌های طراحی) و خالق اثر هنری (معمار) است (نقره‌کار، ۱۳۹۲: ۴۰).

همچنین هنر به معنی «علم و معرفت، دانش و فضل، فضیلت و کمال، کیاست و فراست و زیرکی، آن درجه از کمال آدمی است که هشیاری و فراست، و فضل و دانش را در بردارد و نمود آن، صاحب‌هنر را برتر از دیگران می‌کند» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل هنر). واژه فقه نیز در لغت به معنای فهمیدن و نیک‌فهمیدن و دریافتن کنه و عمق مطلب است (فلندریان گل‌خطمی و حقیقت‌بین، ۱۳۹۵: ۵). علم اصول فقه، روش کشف و استنباط احکام شرعی است، ولی قواعد فقه، نهادها و بنیادهای کلی فقهی هستند که با توجه به کلیت و شمول خود، فقیه در موارد مختلف از آن‌ها استفاده می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۲-۳).

رویاریابی انبساط لذت‌بار روانی را که با برقرارکردن ارتباط با زیبایی به وجود می‌آید، باید با پذیرش حقیقت که بعدی از ضرورت‌های حیات آدمی است، طرح کنیم و ارتباط آن دو را با یکدیگر بفهمیم. با نظر به مطلوبیت ضروری حقیقت در ارتباطات چهارگانه انسان (ارتباط انسان با خویش، با خدا، با جهان هستی و با هم‌نوعان خود) می‌توانیم بگوییم نسبت حقیقت با زیبایی‌ها نسبت اصل حیات انسانی با کیفیت لذت‌بار آن است. اصل حیات و تلاش برای ادامه آن و احساس ضرورتی که در وجود و بقای آن وجود دارد، پایه اساسی و کیفیت‌های لذت‌بار حیات مانند غذای خوب، لباس خوب، مسکن خوب فروع و عوارض خوشایند آن است. علامه جعفری انواع زیبایی را در چهار دسته زیر طبقه‌بندی می‌کند:



شکل ۱. سطوح زیبایی از دیدگاه علامه جعفری

درباره زیبایی دو نظریه جداگانه وجود دارد: عده‌ای می‌گویند زیبایی خارج از وجود انسان، دارای واقعیت است؛ به این معنا که واقعیتی ابژکتیو^۱ دارد. آن تابلو که زیبا است، آن خطر است که زیبا است، آن صدا است که زیبا است، آن جمال است که زیبا است و بالاخره زیبایی منهای وجود انسان خودبه‌خود دارای واقعیتی است. در مقابل، عده‌ای نیز می‌گویند زیبایی اصلاً یکی از علامات استغنائی ذات بشری است. این نظریه، هم در بین متفکران ما وجود دارد و هم در میان مغرب‌زمینی‌ها. گاستالا می‌گوید: زیبایی در جهان عینی وجود ندارد، بلکه از علائم استغنائی بشری است. استدلالی که این‌ها دارند، قابل توجه است. می‌گویند اگر در مغز ما کوچک‌ترین تصرفی انجام شود یا کوچک‌ترین تغییری در دیده‌ما راه پیدا کند، دیگر زیبا نخواهیم دانست آنچه را که تا لحظه‌ای قبل، قائل به زیبایی آن بودیم. اگر آرام‌آرام از دسته‌گل دور بشوید، رفته‌رفته دیگر جز شبیحی از آن نخواهید دید. اگر میکروسکوپی در دست بگیرید و به میدان زیباترین نمودها نزدیک شوید، به جایی خواهید رسید که ممکن است وحشت‌زده شوید از آنچه در میکروسکوپ می‌بینید. سال‌ها قبل، وقتی آپولو در ماه نشست و به زمین بازگشت، سروصداها بلند شد که ماه نیز تا به حال بیهوده هنرمندان را مشغول خود کرده بود. چه زیبایی‌ای دارد این ماه که سنگ‌های آن شبیه به سنگ‌پا است؟!

سوژکتیویست‌ها^۲ معتقدند زیبایی عبارت است از درک و دریافت ذهنی از پدیده‌های عینی که آدمی از چنین ذهنی اگر برخوردار نباشد، زیبایی هم وجود ندارد. انتقادی که به نظریه اول وارد می‌شود این است که اگر زیبایی عبارت باشد از یک نمود عینی که مورد پسند ذهن و خوشایند باشد و ذهن آدمی جز منعکس ساختن آن هیچ نقشی نداشته باشد، لذت حاصل از دریافت زیبایی‌های معلول چه خواهد بود. بدیهی است که احساس لذت از زیبایی، به دلیل ارتباط زیبایی‌ها با مغز و روان مافوق، ارتباط انعکاس ذهنی محض دارد. گاهی زیبایی‌ها چنان ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند که به قول سعدی: «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» و نیز ما هنگامی که رویاروی زیبایی‌ها قرار می‌گیریم، تا حدودی می‌توانیم تفسیر و علت

-
1. objective
 2. Subjectivism

تأثیر آن‌ها را در مغز و روان و لذتی که از آن می‌بریم، بیان کنیم و در این تفسیر، از محتویات درون‌ذاتی خود بهره‌برداری می‌کنیم. پس این نظریه نمی‌تواند تفسیر صحیحی از زیبایی باشد.

انتقادی که به نظریه دوم و سوپژکتویست‌ها وارد است این است که اگر ما عینیت زیبایی را منکر شویم و ذهن‌محور باشیم، یعنی با شناخت روان بشری و روان‌شناسی از زیباشناسی بی‌نیاز می‌شویم! انتقاد دوم این است که به چه علت تمام جریانات و نمودهای طبیعی و انسانی احساس زیبایی ما را تحریک نمی‌کنند و فقط انواع خاصی از نمودها برای ما زیبا جلوه می‌کند و همچنین برای چه خود زیبایی‌ها برای ما نمودها و کیفیت‌های متنوعی می‌نمایند که از هریک از آن‌ها نوع خاصی از تأثر و لذت را در خود درمی‌یابیم (بلخاری، ۱۳۸۴).

نظریه سوم که فلاسفه اسلامی آن را بیان می‌کنند این است که زیبایی یک حقیقت دوقطبی است؛ به این معنا که هم درون‌ذاتی و هم برون‌ذاتی است (هم ذهنی است و هم عینی) که آنچه خارج از ما هست، واقعاً هست؛ یعنی برگ سبز را من نیستم که برگ سبز کرده باشم؛ نور، رنگ و دیگر عناصر همه دست به دست هم داده‌اند تا این برگ با این مختصات و کیفیات دیده شود. آن تابلوی زیبا، آن ترانه صبحگاهی بلبل... این‌ها همه واقعیت دارند و ذهن ما آن‌ها را به وجود نیاورده است، اما این انسان است که با این تمایزات روحی خاصی این همه را ادراک می‌کند. این حالات روانی فقط مخصوص انسان است. اگر تابلوی نقاشی زیبایی را جلوی موربانه‌ای بگذارید، جز خوردن تابلو کاری نمی‌کند و اگر یک گاو به این تابلو بنگرد، چیزی از زیبایی آن ادراک نمی‌کند. درنهایت این ذهن ما است که باید زیبایی را دریافت کند.

از نظر علامه جعفری جای تردید نیست که هر فردی و هر قوم و ملتی با نظر به چگونگی و تفسیر و توجیهی که درباره حیات خود دارند و با نظر به فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، حقایق را به‌عنوان آرمان‌ها و ایده‌های اعلی برای خود پذیرفته‌اند. این آرمان‌ها و ایده‌ها اگر از سنخ عظمت‌های معقول مانند عدالت و آزادی، و نظم و صدق، اخلاق و فداکاری و سایر تجلیات تکاملی روح بوده باشند، تحقق و انطباق آن‌ها در زندگانی عینی انسان‌ها با جمال معقول و زیبایی عقلانی و والا نامیده می‌شود و اگر از سنخ ترکیبات و کیفیات محسوس بوده باشند، زیبایی حسی نامیده می‌شوند.

این بخش را با یک سؤال آغاز می‌کنیم که آیا افزایش گرایش مطلق به زیبایی‌های محسوس با گسیختن آن‌ها از نظم ریاضی و معانی عالی که شهود و ذوق ناب از آن‌ها خبر می‌دهد، در یک فرد یا جامعه معلول کاهش زیبایی‌های معقول برای آن فرد و جامعه نیست. در جامعه‌ای که آرمان‌های معقول مانند آزادی از صحنه ارواح انسان‌ها رخت بریندد، حس زیباییابی در نقاشی یک نعلبکی می‌ریزد و می‌خشکد. علامه جعفری جداکردن زیبایی آرمان‌های معقول را از زیبایی‌های محسوس، کوشش در راه گسیختن وحدت حیات و روان انسانی می‌داند. وی در مثالی ارتباط بین زیبایی محسوس و معقول را این‌چنین بیان می‌دارد: فرض کنید کسی به شما خیانت کرده باشد؛ مانند قاتل پدرتان، درعین حال صورتی بسیار زیبا دارد. آیا باز هم شما از دیدن او لذت می‌برید؟ خیر. شکی نیست که در وجود آن شخص، تناسب‌اندام و هماهنگی اجزای مجموعه که لازمه زیبایی است وجود دارد، اما وقتی انسان احساس می‌کند که درون این انسان در پس نقاب ظاهر آن همه زشتی و پلیدی وجود دارد، دیگر آن زیبایی ظاهر لذتی ایجاد نمی‌کند و در حد همان نمود و پرده نگارین متوقف می‌شود. علامه جعفری در نقد نظریه بندتوکروچه می‌گوید: عده‌ای از زیباشناسان و متفکران مانند کروچه درصدد برآمده‌اند که هنر را از اخلاق تفکیک کنند. اینان دو کار انجام می‌دهند:

۱. اینکه مفهوم زیبایی را از زیبایی حیات که با آرمان‌های معقول به وجود می‌آید، برکنار می‌کنند تا از این راه اخلاق را که عبارت است از شکوفایی عالی‌ترین حقایق در درون آدمی، یک پدیده یا یک فعالیت درونی ابهام‌انگیز و بدون جاذبه قرار بدهند؛ در صورتی که مبانی اصیل اخلاق بر شهود و احساس‌های عالی استوار است که در موقع تعلق به نمودهای زیبای محسوس، شهود زیبایی نامیده می‌شود؛

۲. اینکه زیباشناسان مانند بیشتر متخصصان، در یک بعد انسانی، قیچی به دست، با کمال آسودگی خاطر مشغول بریدن بعد مورد توجه خویش از دیگر ابعاد انسانی هستند که در هویت روانی انسان متحدند و بدون هیچ حد و مرزی شخصیت آدمی را تشکیل می‌دهند. این کار، آگاهانه یا ناآگاهانه شبیه این است که ماهی را از آب درآورند و سپس قطعه‌قطعه کنند و بپزند و هرکسی با تماشا به قطعه‌ای که در مقابلش قرار گرفته است و با خوردن همان قسمت از ماهی چنین ادعا کند که من ماهی را می‌شناسم و ماهی را می‌خورم؛ در صورتی که ماهی از

همان موقع که از آب درآمد، موجودیت حقیقی خود را از دست داده است. نمونه‌ای از زیبایی‌های معقول به صورت زیر است: نظم در هستی، آزادی، بروز طبیعت آن‌چنان‌که هست، احساس پیوستگی با گذشته و آینده، تطبیق معقول بر محسوس، ظهور ناب عواطف و احساسات، آرمان تجسم و نمایش ارزش‌ها، استقلال شخصیت و

زیبایی‌شناسی معماری اسلامی

از نظر ابن سینا حسن (زیبایی) متشکل از نظم، تألیف و اعتدال است (ال. بلک، ۱۳۸۵: ۲۰۷). از نظر علامه جعفری هر اثر هنری نمودی از فعالیت ذهن آدمی است که نبوغ و احساس شخصی هنرمند حذف و انتخاب در واقعیات انجام داده و با تجرید و تجسیم واقعیات عینی و مفاهیم ذهنی، آن نمود را به وجود آورده است (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۲). درباره معماری اسلامی تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی اساس آن را کاملاً رد می‌کنند و آن را در ادامه معماری دوره ساسانی می‌دانند. برخی دیگر از صاحب‌نظران معماری اسلامی را مربوط به معماری دوران حکومت‌های اسلامی و برخی دیگر آن را مربوط به سرزمین‌های مسلمانان می‌دانند که در سرزمین‌هایی مانند ایران، عراق و سوریه براساس فرهنگ و اقلیم، و هنرها و فناوری‌های بومی هر کدام پدید آمده است. علاوه بر آن دیدگاه‌ها، نظریه جامع‌تری هست که معماری اسلامی را براساس آموزه‌های اسلامی، قرآن و روایات شیعه و باید و نبایدهای فقهی و اخلاقی تعریف می‌کند که چارچوب‌های نظری، الگوها، روش‌ها و فرایندهای معطوف به آموزه‌های اسلامی را در خلاقیت و آفرینش فضا ارائه می‌کند. از این منظر، معماری اسلامی دارای سه مؤلفه صورت (اثر معماری)، معنا (ایده‌ها) و خالق اثر هنری (معمار) است که هر یک از مؤلفه‌ها براساس نظریه زیبایی‌شناسی علامه جعفری، دارای شاخص‌هایی است:

زیبایی‌شناسی اثر معماری (صورت)

علامه جعفری با طرح نظریه هنر انسانی برای انسان یا هنر برای انسان در حیات معقول، به ضرورت توجه به ارزش‌های معقول و احساسات عالی الهی و انسانی می‌پردازد. به زعم وی، اگر نبوغ هنری را به آب حیات تشبیه کنیم، مسیر این آب حیات، مغز پر از خاطرات و تجارب و برداشت‌هایی است که هنرمند از انسان و طبیعت به دست آورده است (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۶).

به‌طور کلی می‌توان گفت زیبایی دارای سطوح چندگانه‌ای است که شامل زیبایی‌های محسوس و نامحسوس می‌شود. در زیبایی‌های محسوس از جمله آثار معماری شامل بناها و فضاها، تناسب و هماهنگی از مهم‌ترین ویژگی‌های پدیده زیبا محسوب می‌شود. از منظر اسلامی، هنر و زیبایی نمی‌تواند جدا از اخلاق و اعتقادات قضاوت و تبیین شود؛ بنابراین در قضاوت زیبایی اثر معماری، علاوه بر تناسب و هماهنگی در کالبد بناها و فضاها، سایر ابعاد آن مانند پاکی و خلوص، صداقت، تواضع و خیرخواهی، و گذشت و عدل و انصاف عوامل سازنده باید در نظر گرفته شود.

همچنین توجه به احکام و قواعد فقهی و اخلاق اسلامی در خلق اثر معماری ضروری است. حقوق الهی و سایر انسان‌ها، رعایت حقوق مالکان و همسایگان و عابران و رعایت همه قواعد حلال و حرام در این زمینه می‌تواند در قضاوت زیبایی‌شناسانه اثر هنری و معماری مؤثر و دخیل است. از جمله قواعد فقهی، قاعده لاضرر است که براساس آن، ضرر رساندن به خود و دیگران مجاز نیست.

زیبایی‌شناسی معنا (ایده‌ها)

ایده‌ها همان مفاهیم و ادراکات معقول هستند. در هنر اسلامی، ما حق تجسم معنا در صورت را نداریم. از آنجا که حسن‌ها و زیبایی‌ها متعلق به عالم کلی و معقول هستند، عالم مادی قابلیت ظهور و حضور آن‌ها را ندارد؛ به این معنا که مفاهیم و معنای معقول شامل صفات حسن و زیبایی، به صورت رمزی و سمبلیک می‌توانند در کالبد و صورت‌ها متجلی شوند، سپس برای مخاطب، حالت ذکر و ادراک معنوی پیدا کنند و ادراکات زیبایی‌شناسانه او را از قوه به فعل تبدیل کنند. همچنین نقش واسط را برای انتقال ادراکات زیبایی‌های معقول هنرمند به مخاطبان و در نتیجه انبعاث وجودی آن‌ها را به‌عهده دارند (نقره‌کار، ۱۳۹۲: ۴۰). هنر در صورتی که از اعماق روح هنرمند توصیف شده برآید، فایده آب حیات بر حیات خواهد بود (جعفری، ۱۳۷۲).
انگاره‌های^۱ طراحی معماری می‌توانند با استفاده از زیبایی‌های طبیعی محسوس و قواعد موجود

۱. انگاره طراحی (Concept) همان بن‌مایه یا الگوواره طراحی معماری است و می‌تواند برگرفته از طبیعت و هندسه منظم و نامنظم نهفته در آن یا برگرفته از سایر مفاهیم مورد نظر هنرمند و معمار باشد.

در آن‌ها خلق و آفریده شوند و واجد تناسبات طبیعی محسوس باشند. همچنین ایده طراحی می‌تواند از زیبایی‌های نامحسوس طبیعی الهام بگیرد و به‌طور رمزی و نمادین در اثر معماری تجلی یابد. بدیهی است که در امر خلاقیت و آفرینش معماری اسلامی از مسیر معانی و ایده‌ها، رعایت احکام و اخلاق اسلامی ضروری است.

زیبایی‌شناسی خالق اثر هنری (معمار)

از نظر علامه جعفری، هنرمندی حقیقی، سازنده و پیشرو است که دارای نبوغ و حسن انتخاب، و معلومات لازم و کافی درباره واقعات مربوطه، دقت و ظرافت، درک و برقرارکردن ارتباط با موضوع مطرح‌شده در اثر هنری و همچنین رهایی از قدرت‌های بازدارنده است (جعفری، ۱۳۹۶: ۳). در دیدگاه اسلامی چون اصالت با حیات معقول است و این حیات باید از همه جهات و با هرگونه وسایل، مورد حمایت واقع شود، هرگونه نبوغ علمی و هنری را برای فعالیت آزاد می‌گذارد، ولی برای قابل‌بهره‌برداری ساختن در اجتماع باید جوانب سودمند و مضر آن اثر هنری مورد بررسی کارشناسان متخصص قرار گیرد؛ به شرط آنکه کارشناسان به‌اضافه تخصص مربوط از عدالت انسانی و شناخت ابعاد متنوع حیات معقول برخوردار باشند (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۶). هنرمند با علم به اینکه انسان‌هایی به اثر هنری او خواهند نگرست و رشد و کمال یا سقوط آن انسان‌ها در خود هنرمند نیز اثر خواهد کرد، همه استعدادهای مغزی و اعماق و سطوح روح خود را به کار می‌اندازد تا اثر و انگیزه رشد و کمال را به آن انسان‌ها که خود جزئی از آنان است، تحویل بدهد (جعفری، ۱۳۷۲). اخلاق هنرمند و معمار از باید و نبایدهای معماری اسلامی است. این اصول اخلاقی که در دوره‌های گذشته با سنت استاد و شاگردی و در قالب فتوت‌نامه‌هایی مطرح می‌شده است، شامل اصول زیر است: تواضع و خضوع، صدق، وفا، سخا، حسن خلق، کرم نفس، لطف به برادران، معاشرت با یاران، دوری از شنیدن قبیح، میل به انجام نیکی، حسن همسایگی و مجاورت، لطف در گفت‌وگو، بزرگداشت پیمان، خیرخواهی.

یافته‌های پژوهش

به‌طورکلی در نظریه‌ها و تعاریف زیبایی‌شناسی، اشتراک و تفاوت‌های مهمی دیده می‌شود. از جمله این اشتراکات مهم، تناسب و هماهنگی در پدیده زیبا است که صاحب‌نظرانی مانند

سقراط، ارسطو، آکویناس و علامه طباطبایی بر آن تأکید کرده‌اند، اما قبول و رد اخلاق بر قضاوت زیبایی‌شناسی و پذیرش عینی و ذهنی بودن زیبایی، مهم‌ترین تفاوت در نظریه‌های زیبایی‌شناسانه محسوب می‌شود. جدول ۲ رئوس دیدگاه‌های نظریه‌پردازان مختلف شرقی و غربی را در حوزه زیبایی‌شناسی، از گذشته تاکنون نشان می‌دهد.

جدول ۲. جمع‌بندی نظریه‌ها و دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی اسلامی و غربی

نظریه‌پرداز	دیدگاه به هنر و زیبایی
سقراط	اندازه و تناسب همان است که زیبایی از آن می‌تراود.
افلاطون	هنر تقلید صرف از واقعیت است، زیبایی‌های دنیوی سایه‌ای از زیبایی‌های بالا هستند و بین خیر و نیکی ارتباط برقرار است
ارسطو	هنر وجهی از دانش است که به آفرینش سیر می‌کند (ناشی از نوعی دریافت و بینش) و زیبایی مسئله نظم، تقارن و تعیین است.
فیثاغورث	هنر در واقع محاکات اصول ریاضی است که در قالب صورت‌های ملموس و زیبا ترسیم می‌شود.
توماس اکویناس	زیبایی، از طریق تأمل قابل حصول و کمال ترکیب، تناسب لازم، وضوح و صراحت پیش‌نیازهای زیبایی است.
سوفیست‌ها	در این دوره مفهوم ربوبیت از ساحت وجودی به قلمرو اندیشه و معرفت انتقال یافت.
نوافلاطونیان	زیبایی نوعی از قوانین الهی است که با قوانین ریاضی دمساز است.
هگل	زیبایی و حقیقت هر دو یک مثال هستند. زیبایی مثالی است که در طبیعت یا هنر به رؤیت یا ادراک حواس درآید. حقیقت مثالی است که در خویشتن به صورت اندیشه خالص و محض درآید و انسان نه با حواس، بلکه به مدد اندیشه خالص (فلسفه) بر آن آگاه می‌شود.
کانت	زیبا چیزی است که رها از غرض و بهره موجب لذت شود. سپس ایجاد حالت خوش دور از نفع و زیان، و ایجاد حالت سیر و شهود غیرارادی را مطرح می‌کند.
مازلو	جان و روح را نوازش می‌دهد، احساس لذت به وجود می‌آورد، شادی آور و غم‌زدا است و خاصیت درمانی دارد.
بندوتو کروچه	وی زیبایی را به دو دسته مجرد و الحاقی (آمیخته با مفاهیم) تقسیم می‌کند و شناخت زیبایی نیز از دو طریق شهود و مکاشفه، و استدلال عقلی (منطق و برهان) انجام می‌شود.
علامه محمدحسین	از نظر علامه طباطبایی زیبایی‌های طبیعی ریشه در تناسب و هماهنگی دارد. نیکویی صورت انسان به این است که چشم، ابرو، گوش، بینی، دهان و سایر اجزای صورت طوری باشد و

نظریه پرداز	دیدگاه به هنر و زیبایی
طباطبایی	حالتی داشته باشد که سزاوار و شایسته باشد. به علاوه نسبت هریک به دیگری مناسب باشد. بدین ترتیب نفس آدمی مجذوب و طبع انسان راغب و مایل به آن می‌شود.
مرتضی مطهری	پدیده زیبا در انسان ایجاد حرکت می‌کند، عواطف و احساسات انسان را به غلیان درمی‌آورد، او را به عوالم دیگری می‌برد و در او انگیزه مثبت ایجاد می‌کند. ایجاد عشق و علاقه می‌کند و مایل است همواره آن را در کنار خود داشته باشد. ایجاد کشش و جاذبه می‌کند و در نهایت حس تقدیس و پرستش را در او به وجود می‌آورد؛ به این معنا که اگر زیبایی بیشتر باشد و عمیق‌ترین لایه‌های روان انسان را به کار گیرد، بیشترین تحرک، بیشترین انگیزش و بیشترین جاذبه را برای او به وجود می‌آورد. در نهایت او را به حال تقدس و پرستش درمی‌آورد. این زیبایی است که ما در وجود خدا و معنویات می‌بینیم.
محمدتقی جعفری	زیبایی، به عنوان امری درونی و بیرونی، دارای چهار سطح زیبایی‌های محسوس، زیبایی‌های نامحسوس طبیعی، زیبایی‌های معقول ارزشی و جمال مطلق الهی است.

منبع: نگارنده

منابع چهارگانه مورد تحقیق و استناد علم فقه از نظر شیعه (به استثنای گروه قلیلی از ایشان که با عنوان «اخباریان» شناخته می‌شوند) عبارت است از: کتاب خدا (قرآن کریم)، سنت: به معنای قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) یا ائمه معصومین (ع)، عقل (و دلایل و استنادات عقلی)، اجماع که بر دو گونه است: در نوع اول خود مجتهد در اثر تفحص در تاریخ، آرا و عقاید صحابه یا مردم نزدیک به عصر رسول اکرم (ص) یا ائمه (ع) را به دست آورده است، ولی در نوع دوم، دیگران نقل کرده‌اند که در مورد آن اجماع صورت گرفته است. از این رو اجماع اول دارای اهمیت و برای مجتهد حجت است، ولی در نوع دوم اگر از نقلی که شده یقین حاصل نشود، قابل اعتماد نیست (مطهری، ۱۳۸۱). این چهار منبع (در اصطلاح فقها و اصولیان) مشهور به «ادله اربعه» است (علی‌آبادی و هاشمی طغرالجردی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱).

رابطه فقه و زیبایی‌شناسی معماری اسلامی را می‌توان در همان جایگاه احکام و قواعد فقهی در زیبایی‌شناسی معماری اسلامی جست‌وجو کرد. از جمله قواعد فقهی مرتبط با حوزه هنر و معماری می‌توان به قاعده لاضرر، ضمان، نفی سبیل، تسلیط، اهم و مهم، و حلال و حرام نام برد که هرکدام باید و نبایدهایی را در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا و معمار ارائه می‌کند. قاعده

لاضرر، یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مانند معاملات و عبادات به آن استناد می‌شود و در طول تاریخ فقه، نظرات مختلفی درباره مفاد و آثار آن ارائه شده است. به تعبیر شهید مطهری، برخی از قواعد از جمله این قاعده، کار کنترل و تعدیل دیگر قواعد را به‌عهده دارد (علی‌آبادی و هاشمی طغرالجردی، ۱۳۸۹: ۲۲). پیغمبر (ص) لاضرر را چنین معنا کرده‌اند: «مرد نباید به برادر خود ضرر وارد سازد؛ یعنی نباید چیزی از حق او کم بگذارد.» پیامبر اسلام با بیان جمله لاضرر و لاضرار به «اصل نفی ضرر» اشاره فرموده‌اند. عبارت لاضرر و لاضرار به‌خوبی می‌تواند دو معنا را با هم افاده کند. از طرفی کل احکام ضرری را در شریعت نفی می‌کند و از طرف دیگر می‌فرماید ضرر زدن خارجی به‌وسیله حاکم و قانون نفی می‌شود. به عبارت دیگر شارع می‌فرماید در قانون اسلام ضرر نیست و در جامعه اسلامی نیز ضرر نیست؛ بدین معنا که باید از وقوع آن جلوگیری شود. به‌نظر می‌رسد که رساترین تعریف و تعبیر چنین باشد که گفته‌اند ضرر عبارت است از نداشتن و از دست دادن هر یک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هرچیز دیگری که از آن بهره‌مند می‌شویم» (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶). بررسی موارد استفاده‌ی واژه‌های «ضرر» و «ضرار» در منابع اسلامی نشان می‌دهد ضرر شامل تمام خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، ولی ضرار مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به «سوءاستفاده از حق تعبیر» می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۴۰). قاعده لاضرر به‌طور گسترده‌ای در ابواب غیرعبادی مورد استناد کتب فقهی قرار گرفته است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶). به‌موجب این قاعده، در یک نظام اسلامی هر حکمی که اجرای آن مستلزم زیان‌رساندن به دیگران شود، قابل اجرا نخواهد بود؛ حال این زیان جانی باشد یا مالی یا معنوی و روحی، فرقی نمی‌کند (سیفیان، ۱۳۷۷: ۱).

قاعده ضمان به حق‌الناس و دیون و حقوق اجتماع اعم از همسایگان و عابران که از طریق به نفی دید اشرافیت به حریم خصوصی آن‌ها و تضییع حق‌الناس می‌پردازد. قاعده نفی سبیل به نفی سلطه بیگانه از طریق الگوهای طراحی بیگانه تأکید دارد که استفاده از الگوهای بومی را الزامی می‌کند. همچنین قاعده تسلیط بر احترام به مالکیت مالکان بر اموال و املاک خویش تأکید دارد که در حق‌الناس و حقوق مالکانه در پروژه‌های عمرانی تضییع نشود. قاعده اهم و مهم نیز

ارجحیت مصلحت اجتماع بر منفعت فرد در مواقع خاص (مانند تعریض معابر و احداث زیرساخت‌های عمومی) الزام می‌کند. همچنین ممنوعیت تمثال‌گری و حرمت جلوه‌گری، بیش از حل نمای ساختمان‌ها و تجمل‌گرایی در ساخت‌وساز از الزامات قاعده حلال و حرام است. به‌طورکلی قواعد مهم مترتب بر زیبایی‌شناسی معماری به‌ویژه قواعد لاضرر، ضمان، نفی سبیل، تسلیط، اهم و مهم، و قاعده حلال و حرام را می‌توان به شرح جدول ۳ بیان کرد.

جدول ۳. جایگاه احکام فقهی در زیبایی‌شناسی معماری و شهرسازی

قاعده فقهی	الزامات فقهی	زیبایی‌شناسی معماری اسلامی
قاعده لاضرر	ممنوعیت ضرررساندن به خود و دیگران	ممنوعیت برنامه‌ریزی و طراحی آسیب‌زننده به لحاظ جسمی، مالی، رفاهی و حقوقی برای خود و دیگران
قاعده ضمان	دین و حق دیگران بر فرد	پرداخت کامل حقوق حقیقی عوامل سازندگان و همسایه‌ها و عابران
قاعده نفی سبیل	نفی سلطه بیگانه بر مسلمانان	ممنوعیت استفاده از الگوی بیگانگان در آفرینش اثر معماری و تزئینات مربوط به آن
قاعده تسلیط	هر مالکی بر مال خود تسلط کامل دارد	ممنوعیت برنامه‌ریزی و طراحی تضییع یا تهدیدکننده حقوق مالکان
قاعده اهم و فلاحم	تشخیص عقلی اولویت و تقدم احکام و اعمال برحسب تراحم ملاکات احکام	تقدم امور ضروری بر غیرضروری در زندگی مسلمانان؛ پرهیز از هزینه‌های غیرضروری در تزئینات بنا و فضا، و اختصاص آن به ضروریات (مانند کمک به نیازمندان)
قاعده لاجرح	نفی مشقت و سختی در انجام احکام و واجبات شرعی و بسط آن در حوزه معماری و شهرسازی (بنا و فضا و شهر، باید با سهولت انجام زندگی مسلمانی را فراهم کند)	نفی حرج، سختی و مشقت در فضاهاى مختلف داخلی و بیرونی اثر معماری، و توجه بر سهولت استفاده از فضا در همه مقیاس‌های معماری و شهرسازی
قاعده حلال و حرام	ممنوعیت استفاده از روش‌ها و مواد حرام	ممنوعیت تعدی به حقوق دیگران ممنوعیت تمثال‌گری و صورت‌گری در طراحی معماری

از نظر علامه جعفری، اخلاق شکوفایی عالی‌ترین حقایق در درون آدمی است و مبانی اصیل آن بر شهود و احساس‌های عالی استوار است که در موقع تعلق به نمودهای زیبای محسوس، شهود زیبایی نامیده می‌شوند؛ بنابراین زیبایی‌شناسی معماری اسلامی هم بر اخلاق معمار و هم بر ایده‌ها و آثار معماری برآمده از اخلاق اسلامی استوار است. این احساسات عالی که باید در هر سه مؤلفه زیبایی‌شناسی معماری اسلامی جریان داشته باشد می‌تواند آثار معماری‌ای خلق کند که محل تجلی و جلوه‌گر زیبایی‌های طبیعی محسوس و نامحسوس، زیبایی‌های معقول ارزشی و جمال الهی باشد.

همچنین رابطه اخلاق و زیبایی‌شناسی معماری را نیز می‌توان در رابطه اصول اخلاق در آفرینش معماری مطالعه کرد. از منظر آموزه‌های اسلامی، زیبایی‌شناسی در سطوح مختلف و بر مدار ارزش‌های اسلامی استوار است. در این نگرش، هنر و زیبایی برای خدا و برگرفته از ارزش‌ها و زیبایی‌های خداوندی است. نیت معمار در خلق اثر معماری، خدامحور است و هر فکر و عملی را برای رضای الهی و خواست خداوند انجام می‌دهد. معمار با نگرش زیبایی‌شناسانه، همه عالم را محضر خدا دانسته و نگرش توحیدی و معادباورانه در عمل و اثر معمار مشهود است. از این‌رو معمار با ساده‌زیستی و فروتنی، عدل و انصاف، خدمت به خلق را در راستای عمل توحیدی خود قرار داده است و از هرگونه افراط و تفریط پرهیز می‌کند. هر عمل معمار، باقیات صالحاتی برای آخرت خویش بوده است و هنر نه برای هنر، بلکه هنر برای رضای خداوند مسیری توحیدی را می‌پیماید. به‌طورکلی اصول اخلاقی مهم مترتب بر زیبایی‌شناسی معماری به‌ویژه اصول صداقت، عدل و انصاف، خیرخواهی، ساده‌زیستی، قناعت، ایثار، تواضع و فروتنی را می‌توان به شرح جدول ۴ بیان کرد.

جدول ۴. جایگاه اصول اخلاقی در زیبایی‌شناسی معماری و شهرسازی

اصول اخلاقی	شرح/ویژگی اخلاق	زیبایی‌شناسی معماری اسلامی
عدل و انصاف	رعایت عدالت و انصاف در همه ابعاد زندگی	همه‌شمولی و پرهیز از توجه به گروهی خاص
خیرخواهی	خیرخواه‌بودن انسان	پرهیز از توجه صرف به منافع خویشتن
ساده‌زیستی	پرهیز از تجمل‌گرایی در زندگی فردی	پرهیز از معماری تجمل‌گرا مانند تزئینات تجملی

اصول اخلاقی	شرح/ویژگی اخلاق	زیبایی‌شناسی معماری اسلامی
	و اجتماعی	
اعتدال	میان‌روی و پرهیز از افراط و تفریط	اعتدال در طراحی معماری (در ارتفاع، تزئینات و...)
قناعت	پرهیز از اسراف	پرهیز از اسراف فضا، مصالح و هزینه
ایثار	مقدم‌دانستن دیگران بر خود	پرهیز از برجسته‌ساختن بیش‌ازحد و آراستن بنا و فضای خصوصی
تواضع و فروتنی	فروتنی در همه ابعاد زندگی در عین عزت‌نفس	معماری متواضع و فروتن
صداقت	پرهیز از دورویی	یک‌رنگی و پرهیز از اغراق و خودنمایی

در سال‌های اخیر ساخت‌وسازهای بسیاری با اهداف سودجویانه و تضییع حقوق شهر و نقض قوانین و حریم شهرها در اراضی زراعی و باغی، و منابع طبیعی و مراتع و اراضی موات ساخته شده است که اندکی از آنها قلع‌و‌قمع شده‌اند و بسیاری از آنها نیز با تبعات منفی بسیار در سبک زندگی شهری، گسترش بی‌رویه شهری و نقش قوانین و مقررات حریم شهری کماکان استفاده می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

زیبایی‌شناسی معماری اسلامی بر مبنای نظریه زیبایی‌شناسی علامه جعفری در سه مؤلفه صورت، معنا و خالق اثر هنری قابل بررسی است که در هر سه مؤلفه باید و نبایدهایی فقهی و اخلاقی است که بدون توجه به آنها اثر معماری اسلامی، خلق نخواهد شد. پایبندی به این باید و نبایدهای فقهی و اخلاقی، از ایده‌آفرینی معمار تا اجرای بنا توسط او و گروه سازندگان، ضامن آفرینش آثار معماری اسلامی است. زیبایی‌شناسی از منظر اسلام را می‌توان از دو جنبه فقهی و اخلاقی واکاوی کرد. از جنبه فقهی و احکام اسلامی نباید در هر اقدام و عمل حقوقی از خداوند، خویشان، سایر انسان‌ها و خلقت زیست‌محیطی تضییع شود. این امر ممکن است در مصادیق گوناگونی مانند سوءاستفاده از قوانین و مقررات در احداث بناها، نپرداختن وجوه شرعی و حقوق محرومان، بی‌توجهی به جایگاه عبادت و فضای عبادی در بناهای به ظاهر زیبا، فراهم آوردن بستر و فضای گناه، ضرر رساندن به سایر افراد و همسایگان و طبیعت نمودار شود.

از جنبه اخلاقی نیز انسان از پرداختن صرف به ظاهر و زیباسازی بنا و فضا و بی‌توجهی به سایر ابعاد مانند تواضع، کمک به نیازمندان، یاد معاد و رضای خداوند منع شده است و نیز افراط و تفریط در زیبایی و آراستن بیش‌ازحد بنا و فضا برای امور دنیوی علاوه بر آثار و تبعات مذکور ممکن است موجب رشک‌برانگیزی و حسرت دیگران شود.

بنابراین دین اسلام در موضوع زیبایی‌شناسی، با طرح جمال که با معنا و محتوایی برآمده از خیر و نیکی، انسان‌ها را به خیرخواهی و ساده‌زیستی توصیه می‌کند. در واقع در موضوع زیبایی‌شناسی اسلامی، احکام و اخلاق اسلامی مقدم بر ظاهر زیبا و جمیل به‌معنای حقیقی که یکی از صفات خداوندی است، بر زیبایی‌های حقیقی متکی است. زیبایی‌های حقیقی نیز همان سطوح مختلف آن است که طبیعت زیبا، مهر مادری، آزادی، و ایثار و فداکاری، صداقت و جمال زیبای الهی است. به‌طور کلی می‌توان احکام و قواعد فقهی و اخلاق اسلامی مرتبط با زیبایی‌شناسی معماری را به شرح زیر بیان کرد:

قاعده فقهی لاضرر: طبق این قاعده همه افراد و نهادهای ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در شهر به هیچ عنوان حق ضرررساندن به منافع شهر و شهروندان و همین‌طور ضرردیدن از دیگران را ندارند. مطابق این قاعده، هرگونه ساخت‌وساز، و آراستن و تزئین بنا و فضا نباید موجب آسیب و زیانی به حق‌الله و حق‌الناس و حقوق طبیعت شود.

قاعده فقهی نفی سبیل: مطابق این قاعده فقهی، هرگونه الگوگرفتن از بیگانگان در ساخت‌وساز، معماری و شهرسازی جایز نیست و سبک‌های نماسازی، برج‌سازی، فضاسازی، بنا و فضاآرایی به تقلید از بیگانگان دارای اشکال شرعی است؛ بنابراین در طراحی معماری و زیباسازی، رعایت الگوی بومی در کنار سایر احکام، از مهم‌ترین بایسته‌های معماری اسلامی است.

قاعده فقهی اهم فی‌الاهم: طبق این قاعده، تشخیص عقلی اولویت و تقدم احکام و اعمال برحسب تراحم ملاکات احکام ضروری است. تقدم امور ضروری بر غیرضروری در زندگی مسلمانان، پرهیز از هزینه‌های غیرضروری در تزئینات بنا و فضا، و اختصاص آن به ضروریات (مانند کمک به نیازمندان) در این امر، از بایسته‌های شهر و معماری اسلامی است.

قاعده فقهی ضمان: طبق این قاعده، هر فعلی از جانب انسان که حق انجام آن را نداشته باشد، نوعی دین بر گردن وی ایجاد کرده است و با قاعده فقهی ضمان مغایرت پیدا می‌کند. در

فرایند ساخت‌وسازها، تعیین حقوق حقیقی مهندسان ناظر، طراحی، کارگران و مجریان ضروری است و اختلاف فاحش درآمد سوداگران با گروه‌های مذکور می‌تواند مصداق ضمان باشد.

قاعده فقهی دفع وجوب خطر محتمل: براساس این قاعده، هیچ بنا و فضایی اعم زیبا و معمولی نباید مخاطره‌آمیز باشد و لازم است در همه مراحل ساخت‌وساز به‌نحوی عمل شود که هرگونه خطر احتمالی دفع شود تا در نتیجه رعایت این اصل، امنیت روانی ساکنان تأمین شود.

قاعده فقهی سهولت: حکومت اسلامی به دنبال تأمین زندگی آسان برای شهروندان است. از این‌رو در تهیه و تنظیم مقررات شهری، طبق قاعده سهولت عمل می‌کند و از تحمیل دشواری‌های بی‌قاعده خودداری می‌کند.

قاعده فقهی حریم: حفظ حریم و تجاوز نکردن به حریم از هر نوعی، اصل اساسی در قواعد فقهی به‌شمار می‌رود. در قوانین مدنی و شهرسازی نیز رعایت حریم کاربری‌ها، معابر، همسایگی و... ضروری است و رعایت نکردن آن به مشکلات زیادی در شهر و محله‌ها منجر می‌شود.

قاعده فقهی حلیت: طبق قاعده رعایت حلال و حرام در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای قوانین شهری مانند همه قوانین جاری در حکومت اسلامی ضروری است. علاوه بر این، هر فعلی که مطابق با سایر قواعد فقهی موجب خسارت به شهر و شهروندان نشود، پیرو قاعده حلیت امکان تحقق پیدا می‌کند.

ساده‌زیستی: شایسته است که انسان با ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری، از افراط و تفریط پرهیز کند و رضایت قلبی خویشتن را در رضای الهی قرار دهد.

خیرخواهی: شایسته است که انسان خیر همگان را بخواهد و صرفاً منافع خویشتن را دنبال نکند. خیرخواهی برای همسایگان، عابران و مسلمانان در ساخت‌وساز و زندگی روزمره، اخلاق نیکویی است که در رفتارهای روزمره اعم از ترافیک، خرید و فروش، آموزش و پژوهش، تفریح و تفرج، ورزش و... قابل تحقق است.

عدل و انصاف: خداوند عادل و اسلام دین عدالت است. طبق این قاعده، همه ویژگی‌های شهر اسلامی باید برپایه رعایت عدل و انصاف برنامه‌ریزی طراحی و اجرا شود تا از این رهنمون، همه شهروندان این شهر نمونه کوچکی از زندگی در شهر مهدوی را تجربه کنند. در

چنین شهری شهروندان احساس برابری و برادری می‌کنند و تفاوتی بین خود و سایرین احساس نمی‌کنند.

احترام: رعایت احترام به‌عنوان جزئی اساسی در جامعه اسلامی و مناسبات شهری و محلی می‌تواند زمینه‌ساز حل بسیاری از مناقشات شود. رعایت احترام از شهروندان گرفته تا کالبد و کاربری‌ها و حتی محیط‌زیست، به‌نوعی توجه به حریم همه موجودات است.

صداقت: صداقت به‌عنوان قاعده اخلاقی جاری در فضای محلی می‌تواند موجب نزدیکی بین ساکنان محله و همسایگان شود. شایسته است که انسان مسلمان در زندگی با پرهیز از دورویی در پیشگاه خداوند و مردم، به تعاملی صادقانه با همگان بپردازد و زیبایی حقیقی را در قلب و رفتارهای خویش نهادینه سازد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۷). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: اسوه.
- ابن عربی، محی‌الدین (۱۴۰۰ م). *فصوص‌الحکم*. همراه با تعلیقات ابوعلی عقیلی. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن عربی، محی‌الدین (۱۳۸۵). *فصوص‌الحکم*. ترجمه و توضیح علی موحد و صمد موحد. تهران: کارنامه.
- ابن عربی، محی‌الدین (۱۴۰۵). *شرح فصوص‌الحکم*. به‌کوشش محمود غراب. دمشق: دارالفکر.
- اراکی، محسن (۱۳۹۷). *فقه عمران شهری*. جلد اول. چاپ اول. قم: انتشارات مجمع‌الفکر اسلامی.
- امیری، الهام، زرگری‌نژاد، غلامحسین و فروزش، سینا (۱۳۹۹). هنر و زیبایی از دیدگاه مبانی فقه اخباری و اجتهادی. *نشریه هنر اسلامی*، ۱۷(۴۰)، ۵۳-۴۰.
- بلک، دبراه ال. (۱۳۸۵). *زیبایی‌شناسی در فلسفه اسلامی*. ترجمه هادی ربیعی و شهرام جمشیدی. *تقد و نظر*، ۱۱(۳-۴)، ۲۰۴-۲۱۹.
- بلخاری، حسن (۱۳۸۴). *حکمت، هنر و زیبایی، فلسفه هنر در عصر روشنگری (زیباشناسی کانت)*. چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تاج‌الدینی، علی (۱۳۸۴). *مبانی زیباشناسی در اندیشه علامه طباطبایی*. تهران: روزنامه ایران، ۱۳۸۴/۸/۲۴.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر فلسفه هنر از دیدگاه اسلام. نشریه هنر دینی، ۲، ۷-۲۹.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲). هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام. چاپ اول. تهران: حوزه هنری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۶). هنرمند کیست. مقاله منتشرشده در پایگاه انتشارات علامه محمدتقی جعفری، قابل دسترسی در پایگاه مجازی <http://www.ostad-jafari.com>
- جلیلی خامنه، مهدی (۱۳۹۶). تعلق حکم فقهی به زیبایی در مسئله مرجحات امام جماعت از منظر فقه امامیه و زیبایی‌شناسی صدرالمতالیهین. فصلنامه الهیات هنر، ۱۰، ۱۴۷-۱۷۶.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۵). هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی. کیهان اندیشه، ۶۶.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۵). چیستی آفرینش‌های هنری و ادبی و چرایی حمایت حقوقی از آن‌ها. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی فقه هنر. قم: مدرسه اسلامی هنر.
- خسروی، محمدباقر، بمانیان، محمدرضا و سیفیان، محمدکاظم (۱۳۹۱). نقش هویت‌ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی. نشریه نقش جهان، ۳(۱)، ۱۹-۳۰.
- خوارزمی، تاج‌الدین حسین بن حسن (۱۳۶۴). شرح فصوص الحکم. به کوشش نجیب مایل هروی. تهران: مولی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- رستم‌نژاد، مهدی و نوید، مهدی (۱۳۸۹). اعجاز رنگ‌ها در قرآن. دوفصلنامه قرآن و علم، ۷، ۱۳۱-۱۶۴.
- سیفیان، محمدکاظم (۱۳۷۷). هنرهای زیبا، قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی. هنرهای زیبا، ۳(۰).
- کروجه، بندوتو (۱۳۷۲). کلیات زیباشناسی. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- قلندریان گل‌خطمی، ایمان و حقیقت‌بین، مهدی (۱۳۹۵). کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن. مجله شیعه‌شناسی، ۱۴(۵۵)، ۶۹-۹۸.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱). تفسیر القرآن الکریم، چاپ دوم، قم: بیدار.
- ضیمران، محمد (۱۳۷۷). جستارهایی پدیدارشناسانه پیرامون هنر و زیبایی. چاپ اول. تهران: نشر کانون.
- طاهباز، منصوره (۱۳۸۲). زیبایی در معماری. نشریه صفا، ۳۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۲). تفسیرالمیزان. چاپ پنجم و هشتم. قم: دارالکتب الاسلامیه.

- علی‌آبادی، محمد و هاشمی طغرالجردی، سید مجید (۱۳۸۹). ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی، بر مواد مربوط به حریم بصری در قانون مدنی ایران لاضرر تأملی بر تأثیر قاعده فقهی. نشریه علمی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱، ۶۷-۷۶.
- غزالی، امام محمد ابوحامد (۲۰۰۲ م). *احیاء علوم الدین*. به‌کوشش محمدخیرطعمه حلبی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۲). *راه روشن*، ترجمه کتاب *المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، ترجمه سید محمدصادق عارف. چاپ اول. قم: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- قیصری، داوود (۱۳۷۵). *شرح فصوص الحکم*. به‌کوشش جلال‌الدین آشتیانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴). *قواعد فقهی*. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳). *تفسیر نمونه*. چاپ بیست‌ویکم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۵۳). *کلیات شمس یا دیوان کبیر*. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *فلسفه اخلاق*. تهران: انتشارات صدرا.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۴). *کلیات شمس*. دو جلدی. تهران: ثالث.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۶). *مثنوی معنوی*، براساس نسخه قونیه. تصحیح عبدالکریم سروش. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۲). ارتباط و هماهنگی معنی و صورت در هنر و معماری. مجموعه مقالات *بنیادی و کاربردی در هنر و معماری اسلامی*، قطب معماری اسلامی و دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- هاشم‌نژاد، حسین (۱۳۹۲). *زیبایی‌شناسی در آثار ابن‌سینا، شیخ اشراق و صدرالمتلهین*. چاپ اول. تهران: سمت.